

# فجایع تاریخی امرو

## نقشه ترور عبدالمطلب !!

هاشم در جوانی مرد، بنا بنوشته (المقدسی، ابن خلدون و طبری) در غزه از نقاط شام کشته شد که شاید بی ارتباط با بودن امیه در شام نباشد. از او فرزندی بنام (شیبه) باقی ماند که نزد مادر زندگی میکرد، فرزندان عبد مناف از وجود او بیخبر بودند.

مطلب برادر هاشم از وجود شیبه با خبر شد، او را با خود به مدینه آورد، از اینرو به (عبدالمطلب) معروف شد.

ولی امیه فرزندان متعدد داشت که عکس روح و خصوصیات اخلاقی او بر روی (حرب) یکی از فرزندانش افتاده بود او با خاندان هاشم بشدت کین میورزید و در هر فرصت با آنان ستیز میکرد.

عبدالمطلب قضایل انسانی را از هاشم بارت برده بود، مظهر کامل مواریت اخلاقی و فکری پدر بود، بنابراین بار دیگر در پهنه تاریخ فرشته و ابلیس با هم روبرو میشوند.

عبدالمطلب جوانی انساندوست و حق طلب و پارسا و خدمتگزار بود، در روزهای ماه رمضان به کوه حرا میرفت به نیایش و پرستش میپرداخت، همه این ماه را در این کوه به راز و نیاز ملکوتی مشغول بود.

## ان یاهزار ماه سیاه

بهنگام تعیین مهمانداری و آب بخشی مکه فضایل او بقدری مردم را  
مجنوب ساخت، در صحنه مبارزه او گوی پیروزی را از حرب بر بود عبدالطلب بجای  
پدر نشست .

عبدالطلب جوانی فعال بود، بنابراین تصمیم گرفت در امر آبرسانی  
بمردم تحولی بوجود آورد. با همه مخالفت گروهی از تازیان دستور داد چاه  
زمزم را که نیای پاکش اسمعیل بوجود آورده بود ولی کور و پر شده بود  
دوباره احیاء کند.

کسی امید به آب این چاه نداشت، ولی فعالیت خستگی ناپذیر عبدالطلب  
و یارانش تا مرز مرگ، چشمه زمزم را به فوران انداخت .

غلغله و شادی، دست افشانی و پایکوبی وضع این بیابان خاموش و  
سوزان را تغییر داد، همه از خوشحالی در پوست خود نمیگنجیدند .

ولی درست همزمان با فوران این مایع حیات صحرائشینان و زائران  
کعبه، کوهسینه پرحسد و کینه (حرب) نیز به خروش و آتشفشانی افتاد .

( من دیگر پدرم امیه نیستم دست روی دست بگذارم تا  
پسر هاشم همه کاره مکه باشد . او را خواهم کشت . )

( صخر ، عامر ) مأمور ترور عبدالمطلب شدند ولی تیر تروریست ها بستگ خورد ، عبدالمطلب از این توطئه کنیف جان سالم بدربرد .  
 تروریست ها قرار کردند به حرب پناهنده شدند. حرب به حمایت آنان برخاست، قراین دیگر ثابت کرد نقشه ترور را پسر امیه طرح کرده است .  
 پیشنهاد شد پادشاه نجاشی در این مورد حکمیت و داوری کند ولی وی نپذیرفت ( نفیل بن عبدالعزی عدوی ) نیای عمر بن خطاب مأمور رسیدگی بدین اتهام شد . نفیل عبدالمطلب را ستود، در برابر کمبود های اخلاقی و اجتماعی حرب مزایای پسر هاشم را بر شمرد، عبدالمطلب با حرب قطع مراد و مرابطه کرد . ( ۱ )

## محاصره اقتصادی هاشمیان !

بر گهای تاریخ بتندی ورق خورد نه تنها سرزمین تازیان بلکه خاور و باختر و تمام جهان در برابر يك دگر گونی شگرف و پر ژرف قرار گرفت .

جسته و گریخته مردم می شنیدند که خاندان هاشم عهده دار رسالت آسمانی بزرگی خواهند بود ، چه کاهن بزرگ ، دانای قوم خبر داده بود در سیمای ( عبدالله ) فرزند کهنتر عبدالمطلب پر تو رسالت آسمانی دیده میشود ، چندان فاصلهیی در انتقال این نور ستگاری به ( آمنه ) دختر و هب نگذشته بود که عبدالله در جوانی بدرود زندگی گفت .

کاخ کسری در تیسفون صدای مهیبی کرد قسمتی از کنگره های کاخ فرو ریخت ، دریاچه قم خشک ، آتشکده بزرگ استخر خاموش شد . خبر دادند این نشانه تولد بزرگ تولد پیامبرانسانهاست .

این ( محمد ) همان احمدیست که انجیل عیسی نوید پیدایش آنرا مکرر

۱ - صفحه ۱۱۱ جلد دوم البده والتاریخ - تاریخ کامل صفحه ۱۵ و

۱۶ صفحه ۱۴ جلد ۲ تاریخ الامم والملوک

و بطور صریح به مسیحیان خبر داده است، (یهودیان) در یثرب انتظار ظهور او را میکشند .

یکروز در میان بازار شلوغ مکه ناگهان جوان با ایمان و مصمم و محبوب همه، در حالیکه ردای سرخی بر تن داشت بر کرسی بالا رفت با این شعار ( قولوا لاله الا الله تفلحوا ) اعلام رسالت آسمانی خود را کرد .

( عتبه ، شیبه ، ابوسفیان ، هند ) سران امویان از این تظاهر قدس آمیز هاشمیان و نوه عبدالمطلب نگران و ناراحت شدند، ولی بدینکار با نظر کوچک و بی ارزش نگاه میکردند .

بتدریج کار زیر زمینی و افسین پیامبر بشریت بالا گرفت بطوریکه (ابوبکر) شخصیت مهم و شیخ نسب شناس و برجسته مکه آئین او را پذیرفت ، سلمان فارسی ( روزبه ایرانی ) نماینده محبوب و آزاداندیش ایرانیان بدو پیوست . اسلام از فعالیتهای پنهانی وارد تبلیغات آشکار و وسیع شد .

( عتبه و شیبه ) برادرزاده های امیه نزد ابوطالب بزرگ هاشمیان رفتند و گفتند :

(پسر برادر تو با ما و راه و رسم نیاکان ما سرچنگ و ستیز دارد، ما را آدمهای کهنه فکر و مرتجع و گمراه میدانند. تو باید تکلیف ما را با محمد روشن کنی یا باید او را از اینکارها باز داری یا خود را کنار بکشی.) ابوطالب تهدید امویان را به نقلایی معروف باز گو کرد وقتی او را تا بهمه جا مصمم یافت به برادرزاده خود پیوست رهبری او را پذیرفت .

خطر بسیار جدی و عمیق و بزرگ بود، فرزندان امیه از لحاظ عدد بر هاشمیان افزونی داشتند .

اینبار تصمیم گرفتند بطور دستجمعی عمل کنند، از نفوذ کهنه فکران و سرمایه داران رباخوار و برده دارهای ستمکار نیز مدد گرفتند میثاقی سیاه و ضد انسانی مبنی بر تحریم هاشمیان بامضاء رسانیدند .

( هاشمیان سنت شکن هستند. به خدایان ما بی احترامی میکنند مقدمات ما را بمسخره میکشند بنابراین برای حفظ نسل جوان و تأثیر پذیر نیاید با

## جناب آقای وحید نیا مدیر محترم جریده شریفه وحید

بعد از تقدیم مراتب ارادت و اخلاص کبشی غائبانه اشمار میدارد که مجله شماره ۱ سال نهم وحید رازیارت و از مطالعه مطالب سودمند آن که در واقع تقدیر از رجال خدام کشور بود استفاده و در کتابخانه مجله تاریخ اسلام ثبت و ضبط نمودم - اگر مطبوعات کشور بجناب عالی اقتداء نمایند و تمام هم خود صرف مداحی و تملق ننمایند و به نشر آثار تاریخی و ملی کشور بپردازند نه فقط مطبوعات مقام قوه درجه اول قوای کشور مشروطه را تشکیل میدهند بیجان و دل از آنها عبرت و پند گرفته و مطبوعات را رهبر خود دانسته و تمام برنامه زندگی خود را از مندرجات جراید اقتباس میکنند - بهر حال متناسب یارویه آنجناب شرح حال خلد آشیان محتمم السلطنه اسفندیاری را تقدیم میدارم تا در صورتیکه قابل تشخیص دادید امر بدرج آن فرمائید.

با تقدیم احترامات علی اکبر تشید

با اظهار امتنان از جناب آقای تشید، شرح حال مرحوم حاج محتمم السلطنه

رادر شماره بعد چاپ خواهیم کرد.

آنان آمیزش و همنشینی کرد، پیوند زناشویی با آنان ممنوع است، هیچکس را حق داد و ستد و روابط کسبی و تجاری با آنان نیست. این قرارداد کتبی (بایکوت) در خانه کعبه آویخته شد. اینچنین موضوع (صحیفه) بوجود آمد. خاندان هاشمی (بنی راز ابولهب) ناگزیر مکه را ترک گفتند، با پیشوای خود و ابوطالب و خدیجه در دره یسی بنام (شعب ابوطالب) جا و منزل گزیدند. محاصره اقتصادی هاشمیان سه سال بطول انجامید، راههای هر گونه آب و آذوقه بر آنان بسته شد و اگر هم کسانی پنهانی با آنان کمک میکردند به وسیله امویان دستگیر و شکنجه و آزار میشدند (۱).

بی گمان در این ماهها بوده است که پیامبر راستین اسلام آدم سازی کرده با پرورش نسلی رزمنده و با ایمان و خداشناس شالوده ایدئولوژی اسلام را پی ریزی نموده است.

عزو بزرگواری و سالاری

اندر بلای سخت پدید آید

مانده دارد

۱- تاریخ کامل صفحه ۹۸ - تاریخ ابن خلدون جلد ۳ صفحه ۶۹۵ -

تاریخ ابوالفدا صفحه ۱۱۸ البده - والتاریخ بخش ۴ صفحه ۱۵۳ - انجیل

یوحنا فصول ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ - تاریخ اسلام صفحه ۷۴